

جنگ، اضطراب، کنکور

نگاهی به حال و هوای بزرگ ترین مارا تن علمی کشور در مشهد که دانش آموزان خسته از ماه ها تلاش و کلافه از تعویق ها، برای قبولی در رشته دلخواهشان با یکدیگر رقابت می کنند

گزارش روز

سعدیه آل ابراهیم

حوالی ساعت ۴:۳۰ صبح روز پنجشنبه، خیابان های اطراف دانشگاه فردوسی مشهد، دیگر شبیه یک روز معمولی نیست و ترافیک در خیابان های اطراف حوزه های امتحانی سنگین تر است. از فاصله نه چندان نزدیک هم می شود داوطلب ها و خانواده هایشان را از میان جمعیت تشخیص داد؛ از قدم های تند و نگاه های مضطربشان پیداست که امروز برایشان یک روز معمولی نیست. صف داوطلب ها مقابل ورودی دانشکده های مختلف، شکل گرفته است؛ برخی خانواده ها از دور فرزند خود را راهی این آزمون سرنوشت ساز می کنند، اما خیلی ها حتی در صف هم همراه فرزندشان ایستاده اند و توصیه هایی را به آن ها گوشزد می کنند، تاحدی که نگهبان سالن به خانواده ها توصیه می کند به پارک ملت بروند و چند ساعت دیگر برگردند. کارت های ورود به جلسه، به لباس دانش آموزان سنجاق شده است و صف به نوبت حضور داوطلب ها، جلو می رود. آن طور که آمار و ارقام نشان می دهد، امسال یک میلیون و ۷۰ هزار و ۲۴۱ متقاضی در ۴۱۵ شهرستان کشور در آزمون سراسری شرکت کرده اند که گروه تجربی با ۴۵۱ هزار و ۵۲۲ داوطلب، پرمتقاضی ترین گروه آزمایشی است. جواد ساده، نماینده سازمان سنجش آموزش کشور در خراسان رضوی، نیز اعلام کرده که ۸۲ هزار و ۷۰۰ نفر در استان برای ورود به مقطع کارشناسی دانشگاه ها در کنکور شرکت کرده اند که از این تعداد ۶۴/۵ درصد رابانوان و ۲۵/۵ درصد رآقایان تشکیل می دهند؛ از مجموع داوطلبان استان، ۴۰ هزار و ۳۰۰ داوطلب در مشهد آزمون می دهند. آزمون سراسری امسال امابرای داوطلبان، فقط یک رقابت علمی نبود. تاریخ برگزاری آزمون چند بار تغییر کرد و داوطلبان در شرایطی که کشور درگیر بحران و جنگ بود، علاوه بر تحمل فشار روانی، ناشی از این بحران، با تغییر مکرر زمان آزمون و دشواری برنامه ریزی برای مطالعه، روبه رو شدند. در دو روز پایانی هفته ای که گذشت، هر کدام از داوطلبان و خانواده هایشان با کوله باری از بیم و امید ارای حوزه های امتحانی شدند.



عکس: محسن بخشنده / شهرار

آمادگی لازم را نداریم



سید محراب موسوی، بالباس سفید رنگ در صف و زیر آفتاب منتظر است. او هم مانند خیلی از داوطلبان دیگر، بار سنگینی روی دوشش است که قرار است تا چند ساعت دیگر آن را زمین بگذارد. خودش بیان می کند: امسال بعد از امتحانات نهایی، دروس سال های یازدهم و دوازدهم را مرور کردیم، اما مسلمانا با توجه به شرایطی که در کشور داشتیم، آمادگی لازم را نداریم. او امیدوار است که در رشته داروسازی قبول شود و کار خود و سایر داوطلبان کنکور امسال را، متفاوت با بقیه می داند و حق می دهد که دانش آموزان امسال دربی آزمون سراسری، نتیجه خوبی راکسب نکنند؛ به همین دلیل، خودش را برای نتیجه بد هم آماده کرده است و مصمم است اگر نتیجه آن طور که می خواست نشد، سال بعد هم کنکور بدهد.

آرامش بعد از هیاهو

عقربه های ساعت نزدیک به ۸ صبح است و صف های ورودی داوطلبان، تقریباً به انتها رسیده است. حالا دیگر از آن همه هیاهو، استرس، سروصدا، خنده هیجانی و... خبری نیست و آرامش و سکوت، جای آن همه مهمله را گرفته است. تصویر مادران را تسبیح به دست و پدران چشم انتظار که در پیاده روها قدم می زنند، تصویر آشنایی برای همه جوانانی است که آن ها هم یک روز برای تعیین سرنوشت درسی شان پا به دانشگاه فردوسی مشهد گذاشته اند. نسل تغییر کرده است و شاید بچه های امروز، کمتر از نسل های گذشته درگیر باورهای سنتی باشند، اما انگار تجربه و حس و حال پدر و مادرها در این روز مشترک است بیشترشان معتقدند که باید تا لحظه آخر، قوت قلب فرزندشان باشند.

حمایت مادر در نبود پدر

یکی از مادران، کمی دورتر از صف ورودی آزمون ایستاده است و دانش آموزان را با نگاهی نگران، برانداز می کند. پسر او هم یکی از داوطلبان امروز کنکور علوم تجربی است که برای ورود به رشته پزشکی تلاش می کند. سمانه مؤیدی، انگار دلش بی قرار است و خیلی صحبت نمی کند. فقط در این حد می گوید که به خاطر شرایط امسال، کم و بیش استرس داشتیم، اما از همه مهم تر این بود که همسر اسفند پارسال از دنیا رفت و شرایط برای پسر هم خیلی سخت شد، باین حال تمام تلاشم را کردم که کنارش باشم و از او حمایت کنم. امیدوارم به نتیجه دلخواهش برسد!

کمبود راهنما و سردرگمی خانواده ها

موسوی نیا، پدری است که دخترش را برای شرکت در آزمون سراسری همراهی کرده و حالا خودش گوشه ای روی نیمکت نشسته است و منتظر اوست. او هم مانند پدران و مادران دیگر، بیم و امید قبولی فرزندش در رشته مورد علاقه اش را دارد؛ البته انتقادهایی هم به برنامه ریزی های دانشگاه دارد و می گوید: من سال ها قبل تر هم برای کنکور بچه های دیگر به اینجا می آمدم. آن زمان انابوس داشتند و داوطلبان را به محل آزمون می رساندند تا بچه ها و خانواده هایشان سردرگم نشوند، اما امسال هرکسی باید خودش را به محل آزمون می رساند و وضعیت ترافیک، این استرس را بیشتر هم می کند. جدای از آن، راهنماها کم بودند و بعضی خانواده ها هیچ وسیله ای همراه خود نیاورده اند و به دنبال یک آب سردکن در دانشگاه می گردند.

۴۰ زیارت عاشورا برای پسرم نذر کردم

یک گوشه دور از صف و هیاهوی ورودی سالن آزمون، زیر سایه درختان کاج، زیرانداز پهن کرده است و مشغول خواندن دعا است. زهرا امیری می گوید: امروز که آمدم، پسرم گفت مادران دوستانم نیامدند؛ اگر می خواهی تو هم برو، اما من گفتیم می مانم و برایت دعا می کنم تا برگردی. به قول خودش، در این مدت سعی کرده است صد خود را برای پسرش بگذارد و از او حمایت کند؛ حالا هم چهل زیارت عاشورا برایش نذر کرده و مشغول خواندن است. امیری ادامه می دهد: خوشبختانه پسرم به شرایط جنگ و مسائل کشور، خیلی کار نداشت و فقط در درس را می خواند. روزی هشت تاده ساعت به سالن مطالعه می رفت و گاهی اوقات شب ها در خانه هم درس می خواند. ما هم سعی کردیم محیط خانه را برایش آرام نگه داریم تا درس بخواند یا حتی استراحت کند. امیدوارم مسیرش برای ورود به رشته ای که به آن علاقه دارد، هموار شود.

امیدوار به پذیرش در رشته پزشکی مشهد



همراه مادرش در صف ایستاده است و قدم به قدم تا در سالن ورودی جلو می رود، باهم صحبت می کنند و می خندند. تسنیم ضیایی می گوید: امسال سعی کردم تا جایی که می توانم، درس بخوانم؛ روزی ۹ ساعت در سالن مطالعه، درس هایم را مرور می کردم و واقعا خیلی خسته هستم. به چهره اش نمی خورد که استرس داشته باشد، اما به قول خودش، سعی می کند ته مانده استرسش را در لایه لای خنده هایش گم کند. دوست دارد پزشکی مشهد قبول شود و می گوید: البته حوصله هم ندارم یک سال دیگر درس بخوانم اما شاید اگر نتیجه خیلی بد شود، دوباره بخوانم برنامه اش را برای بعد از آزمون می پرسم؛ با خنده می گوید: «خواب! تا یاد خواب!»

نمی خواهم پشت کنکور بمانم

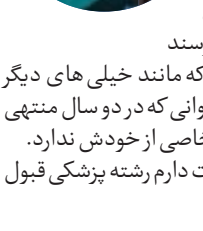


کتابون کیخواه، خودش تنها به دانشگاه فردوسی آمده است و می گوید: خانواده من رلیکس هستند؛ البته پدرم می خواست من راتا دانشگاه فردوسی برساند، اما ترافیک زیاد بود و ترجیح دادم بخشی از مسیر را خودم پیاده بیایم. با توجه به شرایط کشور، حس خودش هم درباره کنکور خنثی است؛ یعنی نه خیلی استرس دارد و نه حتی می تواند بگوید آمادگی خاصی دارد. نتیجه دلخواهش، رتبه مورد قبول برای رشته فیزیوتراپی یا رادیولوژی است، اما به قول خودش، نمی خواهد پشت کنکور بماند و اگر نتیجه دلخواهش نباشد، رشته دیگری را جایگزین می کند.

سال خیلی سخت کنکوری ها

بعضی دانش آموزان آمادگی صحبت کردن ندارند و به قدری فکرشان درگیر کنکور است که درخواست مصاحبه کوتاه را هم رد می کنند؛ برخی دیگر صحبت می کنند، اما نمی خواهند عکسی از آن ها گرفته شود. رفیعی یکی از آن هاست که همراه دوستش و مادرانشان در صف هستند و انرژی خوبی هم دارند. او می گوید: سال خیلی سختی را پشت سر گذاشتیم؛ برای ما کنکوری ها سخت تر بود و اکنون خوشحالم که می خواهم کنکور بدهم و این پروسه تمام می شود. او ادامه می دهد: بابت جنگ و استرس تعویق کنکور خیلی اذیت شدیم، اما باز هم تا جایی که در توانم بود، تلاش کردم و بقیه اش را به خدا می سپارم. رفیعی برای کنکور، روزی ۱۰ تا ۱۱ ساعت در سالن مطالعه، درس خوانده و تست زده است، اما به خاطر شرایطی که امسال وجود داشت، با خودش به صلح رسیده است: «هر رشته ای که قبول شوم، خوب است اما اگر نتیجه خیلی بد باشد، دوباره برای کنکور سال بعد می خوانم؛ چون ارزشش را دارد.»

دوست دارم پزشکی قبول شوم



دانشکده مهندسی، میزبان برگزاری کنکور تجربی برای پسر هاست که در دو صف ایستاده اند تا به سالن برسند و وارد شوند. طاهاتقی زاده یکی از داوطلبان است که مانند خیلی های دیگر معتقد است که درس خوانده، اما بابت استرس و بار روانی که در دو سال منتهی به کنکور تجربه کرده است، برای نتیجه آزمون، توقع خاصی از خودش ندارد. او می گوید: روزی ۹ تا ۱۰ ساعت درس خوانده ام؛ دوست دارم رشته پزشکی قبول شوم، اما باز هم هرچه خدا بخواهد.

امسال دانش آموزان از لحاظ روحی به هم ریخته بودند



محمد رضا اکبری تقریباً انتهای صف به همراه دوستش ایستاده است و می گوید: امسال پیامدهای جنگ و استرس های آن شامل همه شد و فکر می کنم طبیعی است که دانش آموزان از لحاظ روحی به هم ریخته باشند؛ حالا یکی کمتر، یکی بیشتر، باین حال تلاش کرده ایم و باید ببینیم نتیجه چه می شود. او ادامه می دهد: آرزوی خیلی از داوطلبان کنکور علوم تجربی، قبولی در رشته پزشکی تهران یا مشهد است. من هم رؤیای پزشکی در دانشگاه مشهد را دارم اما اگر امسال به نتیجه مطلوب نرسم، حاضر دو سال دیگر هم پشت کنکور بمانم تا بالاخره در رشته پزشکی قبول شوم.

دوجانبه دعا می کنیم

پدر یکی از دانش آموزان زیرانداز خود را در سایه انداخته است و با تلفن همراهش سرگرم است. رحیم برمیون می گوید: همسرم به حرم امام رضا^(ع) رفته است تا برای پسرمان دعا کند و خودم اینجا آمدم تا دلش گرم باشد. یک جورهایی دوجانبه داریم دعا می کنیم.

البته پسر او، سال دومی است که در کنکور شرکت می کند؛ سال گذشته، رشته پرستاری در کرمان قبول شد، اما ترجیح داد یک سال دیگر هم درس بخواند. برمیون اضافه می کند: امسال با توجه به شرایط کشور و فوت پدرم، به پسر هم سخت گذشت، اما تمام تلاشش را کرد. امیدوارم نتیجه مسویری اش را ببیند و در رشته های پیراپزشکی یا دندان پزشکی که خودش دوست دارد، قبول شود.

شرایط جنگی، بچه ها را خسته کرد

در میان سکوتی که بر محوطه دانشگاه حکم فرماست، کم و بیش صدای مادرانی که باهم صحبت می کنند یا دعای عهدی که از تلفن همراه خود پخش می کنند، به گوش می رسد. میمنت مقدم همان طور که از روی صفحه گوشی تلفن همراه دعا می خواند، تسبیح را هم در دستش می چرخاند و تعبیرش از داوطلبان امسال که پسر خودش هم یکی از آن هاست، این است که: «این بچه ها خیلی تلاش کرده اند، اما به دلیل شرایط کشور، خسته، بدون روحیه و بدون انگیزه اند.» او ادامه می دهد: پسر اولم، پزشکی می خواند و پسر دومم هم همیشه می گفت انتخاب اولم پزشکی و بعد دندان پزشکی است، اما اکنون به قدری بی انگیزه است که می گوید هر رشته ای قبول شوم، همان را می روم و حاضر نیستم پشت کنکور بمانم.

آن طور که مقدم می گوید، روزهایی که جنگ علیه کشورمان در جریان بوده، پسرش اصلا درس نمی خوانده است و بعد به خاطر تأثیر امتحانات نهایی، دوباره شروع به درس خواندن کرده است.

اوگویا بیشتر از پسرش استرس دارد، طوری که شب قبل از آزمون اصلا نتوانسته است بخوابد و می گوید: شب با پسرم حرم رفتیم تا کمی آرام شود و از امام رضا^(ع) کمک بخواهد. اما خودش هم به قدری استرس داشت که چند ساعتی بیشتر نخواست.

مادران، بیشتر از داوطلبان استرس دارند

خانم وحدتی، با یکی از مادران دیگر، لبه جدول وزیر سایه درختان نشسته اند و مشغول صحبت هستند. او هم معتقد است که دخترش تحت تأثیر شرایط کشور و جنگ قرار گرفته است. ادامه می دهد: من سعی می کردم محیط خانه آرام باشد و دخترم خیلی در جریان اخبار و اتفاقات قرار نگیرد، اما پدرش به محض اینکه به خانه می رسید، تلویزیون را روشن می کرد و ناخوداگاه دخترم هم از اخبار جنگ و شهادت هم وطنان مطلع می شد.

او می گوید: امسال شرایط برای همه بچه ها سخت بود و خیلی از آن ها از درس زده شدند، باین حال کاری به جز دعا از ما بر نمی آید. شاید ما مادران از بچه ها هم استرس بیشتری را تجربه کردیم؛ دو سال پیش دختر دیگرم کنکور داشت و اصلا استرس نداشتم، اما امسال به قدری نگرانم که احساس می کنم امروز بعد از کنکور، من هم راحت می شوم.

داوطلبان را بعد از کنکور دریابیم!

کنکور امسال با همه فرازونشیب ها برگزار شد و با وجود تلاشی که دانش آموزان کردند، ممکن است به نتایج دلخواه خود نرسند، بنابراین برگزاری آزمون، نقطه پایان این ماجرا نیست و همان طور که عباس عابدی، جامعه شناس و استاد دانشگاه، مطرح کرده است «باید بعد از کنکور، دانش آموزان را دریابیم!» او معتقد است احتمال زیادی وجود دارد که پس از اعلام نتایج، موجی از بی انگیزگی جدی در میان دانش آموزان به راه بیفتد که نرسیدن به رتبه مورد انتظار، خستگی چندین ماه مطالعه و ابهام درباره آینده تحصیلی، از عوامل این وضعیت است و اگر این بی انگیزگی مدیریت نشود، می تواند به مشکلات جدی تری مانند افسردگی پس از کنکور، ترک تحصیل و رفتارهای پرخطر منجر شود.

